

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

حقوق کم توانان

و

برابری فرصتها

جلد اول

زهرا جنت

پارسا
نشر پارسا

سرشناسه	: جنت، زهرا، ۱۳۵۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: حقوق کم‌توانان و برابری فرصت‌ها/زهرا جنت.
مشخصات نشر	: تهران: پارسیا، نوآور، ۱۳۹۱ -
مشخصات ظاهری	: ۱۴۴ص ج ۱.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۶۳۵۷-۴۴-۰۰
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: معلولان -- حقوق مدنی
موضوع	: معلولان -- وضع حقوقی و قوانین
موضوع	: معلولان -- خدمات -- برنامه‌ریزی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۱ ج۹ ص ۷ / K۶۳۷
رده بندی دیویی	: ۳۴۲/۰۸۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۸۰۰۶۵۸

حقوق کم‌توانان و برابری فرصت‌ها - جلد اول

زهرا جنت	مؤلف:
پارسیا	ناشر:
۵۰۰ نسخه	شمارگان:
کیارا، اصفهان	حروف‌نگاری:
مهدرضا نصیرنیا	مدیر تولید:
اول - ۱۳۹۱	نوبت چاپ:
۹۷۸-۶۰۰-۶۳۵۷-۴۴-۰۰	شابک:



قیمت: ۶۵۰۰ تومان

نمایشگاه دائمی و مرکز پخش:

نوآور: تهران - خ انقلاب، خ فخررازی، خ شهدای ژاندارمری نرسیده به خ دانشگاه ساختمان ایرانیان،

پلاک ۵۸، طبقه دوم، واحد ۶

تلفن: ۰۹۱۲۶۰۶۳۳۸۳ - ۶۶۴۸۴۱۸۹

حق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۲۳	بخش اول: کم توانان و برابری
۲۵	فصل اول: ماهیم و ارزش های بنیادین حقوق بشر
۳۱	فصل دوم: وضعیت افراد کم توان و شمول حق های بشری در مورد آنان
۳۳	گفتار اول: فرد کم توان کست؟
۳۷	گفتار دوم: فرار گرفتن کم توانان در حاشیه زندگی اجتماعی
۴۸	گفتار سوم: جایگاه حقوق افراد کم توان در نهاد بین المللی حقوق بشر
۵۳	بخش دوم: کم توانان و برابری فرصت ها
۵۶	فصل اول: برابری فرصت ها
۵۸	گفتار اول: مفهوم نظریه برابری فرصت ها: متفاوت اما برابر
۷۲	گفتار دوم: جایگاه شایستگی و شرایط در برخورداری از برابری فرصت ها
۷۵	فصل دوم: کم توانان و نیاز به برابری فرصت ها
۷۷	گفتار اول: بررسی مبانی حقوق افراد کم توان
۸۴	گفتار دوم: بنیان نظری سیستم های حمایتی از افراد کم توان
۹۵	نتیجه پایانی
۹۹	پیوست: کنوانسیون حقوق افراد دارای کم توانی
۱۳۹	منابع

فهرست تفصیلی مطالب

۹	پیشگفتار
۱۹	مقدمه
۲۳	بخش اول: کم توانان و برابری
۲۵	فصل اول: مفاهیم و ارزش های بنیادین حقوق بشر
۳۱	فصل دوم: وضعیت افراد کم توان و عمول حق های بشری در مورد آنان
۳۳	گفتار اول: فرد کم توان کیست؟
۳۴	بند اول: تعریف فرد کم توان
۳۵	بند دوم: عوامل ایجاد کم توانی
۳۷	گفتار دوم: قرار گرفتن کم توانان در حاشیه زندگی اجتماعی
۳۹	بند اول: شرایط زندگی کم توانان و دامنه تبعیض اعمال شده بر آنان
۴۱	بند دوم: اشکال تبعیض علیه افراد کم توان
۴۵	بند سوم: موانع حضور افراد کم توان در جامعه
۴۵	۱- طرز تفکر فرد کم توان و اطرافیان وی
۴۶	۲- عدم پذیرش کم توانان از سوی جامعه
۴۷	۳- وجود موانع فیزیکی در اجتماع و محل کار
۴۷	۴- اشتغال و مشکلات اقتصادی
۴۸	گفتار سوم: جایگاه حقوق افراد کم توان در نهاد بین المللی حقوق بشر
۴۹	بند اول: ماهیت حقوق افراد کم توان در آیین منشور حقوق بشر
۵۰	بند دوم: حمایت از حقوق افراد کم توان در برخی از اسناد حقوق بشری
۵۳	بخش دوم: کم توانان و برابری فرصت ها
۵۶	فصل اول: برابری فرصت ها

- ۵۸ گفتار اول: مفهوم نظریه برابری فرصت‌ها: متفاوت اما برابر
- ۶۲ بند اول: تعریف برابری فرصت‌ها
- ۶۳ بند دوم: تبیین نظریه برابری فرصت‌ها
- ۶۶ بند سوم: دسته‌بندی و انواع مفاهیم در زمینه برابری فرصت‌ها
- ۷۲ گفتار دوم: جایگاه شایستگی و شرایط در برخورداری از برابری فرصت‌ها
- ۷۵ فصل دوم: کم‌توانان و نیاز به برابری فرصت‌ها
- ۷۷ گفتار اول: بررسی مباحث حقوق افراد کم‌توان
- ۷۸ بند اول: بعد فلسفی
- ۷۹ بند دوم: بعد حقوقی
- ۸۱ بند سوم: حقوق بشر افراد کم‌توان: رفتار به مثابه برابر جایگزین رفتار برابر
- ۸۴ گفتار دوم: بنیان نظری سیستم‌های حمایتی از افراد کم‌توان
- ۸۵ بند اول: سیر تاریخی نظریات و رفتارها در مورد افراد کم‌توان
- ۸۶ ۱- رفاه اجتماعی
- ۸۷ ۲- برابری فرصت
- ۸۸ ۳- حقوق بشر
- ۸۹ بند دوم: محتوای برابری در ارتباط با حقوق کم‌توانان
- ۹۰ ۱- برابری در فرصت و برابری در نتیجه
- ۹۱ ۲- برابری در رفاه و برابری در فرصت برابر برای رفاه
- ۹۳ ۳- برابری در منابع و برابری فرصت برای دسترسی به منابع برابری در منابع
- ۹۵ نتیجه پایانی
- ۹۹ پیوست: کنوانسیون حقوق افراد دارای کم‌توانی
- ۱۳۹ منابع

پیشگفتار

نظام بین‌المللی حقوق بشر بر اساس برابری و تشابه انسان‌ها شکل گرفته است. برابری نیز از اعتقاد به کرامت ذاتی انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد. هدف این نظام، حمایت برابر از انسان‌ها، جدا از هرگونه تمایزی می‌باشد.

نکته قابل توجه این است که انسان‌ها در عین تشابه در ذات خویش، نسبت به یکدیگر دارای تفاوت‌های بسیاری هستند. به توجه به این تفاوت‌ها، تنها با رفتار یکسان با همه، اصل برابری محقق نمی‌گردد و چه بسا منجر به تبعیض علیه بعضی از افراد نیز می‌گردد.

به نظر می‌رسد که برای برقراری برابری، لازم است افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر، مورد حمایت ویژه قرار بگیرند. بر همین اساس، افراد

کم‌توان به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت جامعه بشری^۱ باید مورد توجه و حمایت خاص جوامع و نظام حقوق بشر قرار بگیرند.

از جمله دلایل توجیه این حمایت و توجه ویژه، در حاشیه بودن همیشگی افراد کم‌توان است. کم‌توانان اغلب به خاطر شرایط جسمی یا روحی خود، برای گذران زندگی به کمک افراد دیگر نیازمند هستند. این نیاز بیشتر از ناکارآمدی جامعه ناشی می‌گردد تا مشکل کم‌توانی فرد. این ادعا یعنی اکثر جامعه وظیفه خودش را در زمینه ارائه خدمات پزشکی و توان‌بخشی به افراد کم‌توان به درستی و کامل انجام می‌داد، محیط جامعه را برای حضور فیزیکی آن‌ها آماده می‌کرد و در زمینه اشتغال و کسب درآمد نیز وظیفه خود را به درستی انجام می‌داد. اکثر افراد کم‌توان، توانایی زندگی مستقل بدون وابستگی به حضور دیگران را کسب نمی‌نمودند و حتی اگر تعدادی از آن‌ها باز هم به کمک فرد دیگری نیاز داشتند. این کمک عملی خیرخواهانه یا از سر دلسوزی نبود بلکه فرد کم‌توان با توجه به استقلال مالی خویش، می‌توانست همانند دیگر افراد جامعه در مقابل خدماتی که به وی ارائه می‌شود، هزینه مربوط به آن را بپردازد و نیازمند صدقه و ترحم دیگران نباشد.

متأسفانه پدیده کم‌توانی، گذشته سیاهی دارد و در طول تاریخ افراد کم‌توان مورد بی‌مهری، آزار و اذیت و سوءاستفاده قرار گرفته‌اند. بدون آنکه هیچ‌گونه امکان دفاع یا حفاظتی از خود را داشته باشند. در بهترین حالت، با آن‌ها چون مسائلی مربوط به امور خیریه برخورد شده است. با

۱. کم‌توانان حدود ده درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند: www.un.org/disabilities/default.asp?id=18

اینکه چند دهه از شروع حمایت ویژه از افراد کم‌توان می‌گذرد، هنوز هم وضعیت آنان در اکثر کشورها، خلاف شأن یک انسان است.

تجربه و اندکی تأمل در زمینه اجرای قوانین، نشان می‌دهد که صرف تصویب قوانین، حقی محقق نمی‌شود. اجرای قانون تا حد زیادی به پذیرش و فرهنگ غالب بر افکار جامعه بستگی دارد. لزوم رفتار برابر با انسان‌ها و بهره‌مندی آنان از حق‌های بشری، از مسائلی است که کمابیش توسط اکثر مردم و اکثر جوامع پذیرفته شده است. اما وقتی بحث و کار، به رفتار و اقداماتی می‌رسد که فراتر از رفتار برابر می‌باشد، درک اینکه، این نوع رفتار هم لازم‌مندی همان بهره‌مندی‌ها است، اندکی دشوار می‌گردد.

به عنوان مثال، خواست گروه‌های فمینیست موج دوم، مبنی بر برابری مطلق میان زن و مرد و لزوم رفتار یکسان با هر دو در همه زمینه‌ها، مطلبی است که جدا از درست یا غلط بودنش، برای همگان در چارچوب باوری که نسبت به برابری دارند، می‌گذرد. اما خواست موج سوم برای رفتاری برابر، اما مبتنی بر تفاوت‌های میان زن و مرد، در نظر خیلی از افراد، همسو با مفهوم برابری نیست.

به نظر می‌رسد، در زمینه افراد کم‌توان نیز مسأله به همین صورت باشد. فرهنگ غالب جوامع، آنچه را که در سیستم حقوق بشری برای افراد کم‌توان انجام می‌گیرد، بیشتر از حد برابری با دیگر افراد می‌داند و با این تفکر، بهترین توجیه این رفتار، همان حس دلسوزی و ترحم است. در صورتی که اگر اعضای جامعه بپذیرند به خاطر تفاوتی که بین افراد کم‌توان و دیگران وجود دارد، برای اینکه کم‌توانان از حقوق خویش

برخوردار شوند و در سطحی برابر با بقیه قرار گیرند؛ با توجه به وظیفه دولت در مقابل حقوق تک تک اعضای جامعه، این توجه ویژه و کمک بیشتر حق کم‌توانان و وظیفه دولت‌ها است. در چنین فضای فکری است که فرهنگ و قوانین جامعه نگاه و باور خویش را از سیستم ترحم محور به نگرش حق محور تغییر می‌دهد. آنچه از این تغییر حاصل می‌شود ایجاد شرایطی برای زندگی افراد کم‌توان است که حق مسلم آنها به عنوان یک انسان می‌باشد.

تنها با لحاظ کردن تشابه‌های انسان‌ها، نمی‌توان به آرمان برابری دست یافت؛ بلکه مد نظر قرار دادن تفاوت‌های موجود در کنار این تشابه‌هاست که برابری واقعی را میان همه افراد محقق می‌سازد. رفتار و شرایطی که در این زمینه نابرابر به نظر می‌رسد، رفتار لازمی جهت تحقق برابری میان همه‌ی اعضای جامعه است که از آنها تحت عنوان رفتار به مثابه برابر یاد می‌شود.

در خصوص افراد کم‌توان به عنوان بزرگ‌ترین اقلیت انسانی و به عنوان یکی از محروم‌ترین اقشار جامعه، باید تدابیری اتخاذ کرد که این افراد نیز از آنچه، برای دیگر افراد جامعه مهیا است، بهره‌مند شوند. نمود کامل این ایده در تئوری برابری فرصت‌ها به چشم می‌خورد که در ذات مفهومی خویش، «برابری در نقطه شروع» را لازمه برقراری برابری میان افراد می‌داند. مسلم است که رسیدن به چنین هدفی، مستلزم رفتارهایی نابرابر به سود محروم‌ترین اقشار جامعه می‌باشد.

جان راولز، نظریه پرداز شهیر آمریکایی، صاحب نظریه‌ی «عدالت به مثابه انصاف» در کتابی به همین نام، عنوان می‌کند که یک جامعه مدرن و

مبتنی بر اصول و ارزش‌های حقوق بشری نیز باید بر پایه‌ای از نابرابری‌ها تکیه کند تا طرحی خوب و سازمانی کارآمد داشته باشد و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی نیز باید به صورتی مدیریت شوند که در جهت تأمین حداکثر منفعت برای محروم‌ترین‌های جامعه باشد.^۱

در واقع این کتاب پاسخی است به این سوال که «آیا برابری فرصت‌ها زمینه مناسبی برای رسیدن افراد کم‌توان به حقوق خویش می‌باشد و نابرابری‌هایی که جهت پیاده‌سازی این نظریه باید انجام پذیرد؛ با چه توجیهی، مشروعیت پیدا می‌کنند؟»

وظیفه هر دولت و حکومت، در مورد شهروندان خویش، رعایت اصل برابری و عدم تبعیض در مورد آنهاست که از آن تحت عنوان رفتار برابر یاد می‌شود. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود و قسمتی از پیکره‌ی سوال قبلی می‌باشد این است که «نظریه برابری فرصت‌ها برای محقق ساختن حقوق افراد کم‌توان، نیازمند رفتار برابر است یا رفتاری به مثابه برابر؟»

نظریه برابری فرصت‌ها با توجه به مفهوم، مبانی و نتیجه‌ای که در پی خواهد داشت، راهکاری برای بهره‌مندی افراد کم‌توان از مواهب زندگی همانند دیگر اعضای جامعه است. تشریح نابرابری‌هایی که جهت رسیدن به اهداف این نظریه، لازم به نظر می‌رسند و مواردی که در زمینه برابری فرصت‌ها در این کتاب، مورد دفاع نویسنده می‌باشند؛ از این ادعا سرچشمه می‌گیرد که برابری‌سازی فرصت‌ها نه تنها راه مناسبی برای

۱. راولز، جان، عدالت به مثابه انصاف، ثابتی، عرفان، تهران، نشر ققنوس، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴-۱۰۵

رسیدن افراد کم‌توان به حقوق خویش است، بلکه باید به عنوان یک راه حل ضروری در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد و رفتارهای لازمی که به نظر نابرابر می‌رسند، تنها تبعیضی برای بهره‌مندی این گروه از افراد نیست، بلکه همه افراد جامعه از ثمرات این رفتار نابرابر، بهره‌مند خواهند شد.

جلد اول ضمن تشریح مسائلی در مورد ماهیت کم‌توانی و شرایط کم‌توانان در جامعه، بشر به تحلیل مفهومی و مبانی نظری در مورد برابری، برابری فرصت‌ها و ارتباط این مفاهیم با مسائل و مشکلات کم‌توانان و چگونگی رفع این مشکلات (در قالب نظری) پرداخته است. از آنجایی که این کتاب به مقوله افراد کم‌توان از منظر حقوق بشر می‌نگرد؛ اولین سوالی که باید پاسخ داده شود، این است که «با توجه به ماهیت و هدف ساختار بین‌المللی حقوق بشر، وضعیت افراد کم‌توان به عنوان بخشی از جامعه بشری، چگونه است و چگونه باید باشد؟» اولین بخش از جلد اول، در جهت پاسخ به این سوال در نظر گرفته شده است. بخش اول، به توضیح مفاهیم و ارزش‌های بنیادین حقوق بشر اختصاص داده شده و با در نظر گرفتن این مفاهیم و سطح جهانی که این ارزش‌ها برای زندگی افراد بشر مدنظر دارند، به بررسی وضعیت افراد کم‌توان پرداخته است.

بخش دوم، نیز پاسخی در جواب این پرسش است که «نظریه برابری فرصت‌ها، به عنوان نگاه نوینی به آرمان برابری افراد بشر، چه مبانی و مفاهیمی دارد و در زمینه افراد کم‌توان این مفاهیم، چگونه نمود پیدا می‌کنند؟»

این بخش در فصل اول خود، به طرح نظریه برابری فرصت‌ها و توضیح پیرامون مفهوم و مبانی این نظریه می‌پردازد. در فصل دوم، نظریه برابری فرصت‌ها در زمینه افراد کم‌توان به صورت مبانی نظری، مورد بررسی قرار گرفته است.

جلد دوم برای تشریح پیش شرط‌ها و شرایط لازم برای تحقق نظریات و نتایج جلد اول، در عمل، در نظر گرفته شده است و بیشتر به شرایط عملی و اجرایی برای رسیدن به برابری فرصت‌ها در زمینه افراد کم‌توان پرداخته است. در بخش اول بررسی شده است که «روند شکل‌گیری و ساختار نظام بین‌المللی حقوق بشر در حمایت از افراد کم‌توان، چگونه است؟» در بخش اول این بخش، نظام بین‌المللی حقوق بشر در زمینه حمایت از افراد کم‌توان، نقد و بررسی شده است. برنامه جهانی اقدام برای افراد کم‌توان، قواعد استاندارد درباره برابری فرصت‌ها برای افراد کم‌توان و کنوانسیون حقوق افراد کم‌توان، از اسنادی هستند که با توجه به ارتباط آن‌ها با مسأله برابری فرصت‌ها برای افراد کم‌توان، مطالعه شده‌اند.

در بخش دوم، به بررسی این مسأله پرداخته شده است که «با چه اصول و روش‌هایی می‌توان به هدف تحقق برابری فرصت‌ها برای افراد کم‌توان نزدیک شد؟» چارچوب و اصول این بخش، بر اساس ساختار ارائه شده در اسناد مربوط به افراد کم‌توان، به‌ویژه «قواعد استاندارد درباره برابری فرصت‌ها برای افراد کم‌توان» است.

بخش دوم، اصول و روش‌های عملی تحقق برابری فرصت‌ها و اقدامات دولت در صحنه‌های اجتماع بررسی شده است. فصل اول این

بخش به چگونگی تحقق هدف اصلی ساختار حمایت از حقوق افراد کم‌توان؛ یعنی «مشارکت کامل و مؤثر کم‌توانان در زندگی اجتماعی» پرداخته است و در آخرین فصل نیز، تعهد و نقش دولت در زمینه رسیدن به اهداف برشمرده در زمینه افراد کم‌توان، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

در این کتاب، حق‌های بنیادین بشری و اسناد مربوط به آن به عنوان نهاد و اصول حمایت از انسان‌ها به رسمیت شناخته شده است و مسلماً برابری ذاتی و کرامت انسانی همه افراد بشر نیز از مفروضات است و بر همین اساس، کشورهای نسبت به تحقق حق‌های بشری برای همه افراد، متعهد و موظف می‌باشند و این تعهد در برابر همه شهروندان یکسان است.

با وجود اینکه در سطح بین‌المللی برابری فرصت‌ها، دیگر یک ایده جدید نیست و در اکثر مسائل، به عنوان نمودن از برابری و عدم تبعیض پذیرفته شده است؛ جایگاه ویژه خود را در نظرات اصلی پیرامون مسائل حقوق بشر دارد و همچنین تعداد زیادی سند و نشست رسمی و طرح‌های جهانی در این زمینه وجود دارد و تعداد زیادی کتاب و مقاله که کمک شایانی به درک این مساله می‌کند، منتشر شده است؛ اما به نظر می‌رسد در حقوق، منابع و اسناد داخلی اعم از کتاب، مقاله و منابع مربوط به حقوق بشر، جایگاه شایسته خویش را پیدا نکرده است. تعداد منابع در این زمینه بسیار اندک می‌باشد و همین تعداد کم هم به طرز خاص به این مساله پرداخته‌اند، بلکه در متن اصلی نوشته، فراخور مطلب مرتبط با این نظریه به شرح و بسط آن اقدام کرده‌اند و درباره

برابری فرصت‌ها بیشتر مطالب موجود در کتاب‌ها، مرتبط با نظریه عدالت جان راولز می‌باشد.

وقتی نظریه برابری فرصت‌ها با مقوله کم‌توانان پیوند می‌خورد، همان تعداد اندک منابع هم به انگشت شمار تقلیل می‌یابد و در کتاب‌های مربوط به رفاه اجتماعی و دولت رفاه می‌توان مطالب کمی در این زمینه پیدا کرد.

مقوله برابری فرصت‌ها هر چند از دریچه چشم افراد آشنا به حقوق، جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی امری بدیهی است و نیاز چندانی به توضیح و توجیه ندارد و برای افراد پایبند به اصول و ارزش‌های انسانی، رفتار برابر و رفتار به مثابه برابر، تضادی با یکدیگر ندارند؛ اما به نظر می‌رسد، دیدگاه اکثریت افراد اینگونه نباشد. خصوصاً وقتی پای حقوق افراد کم‌توان در میان است. حتی می‌توان ادعا کرد آنچه در ساختار بازپروری و توان‌بخشی برای کم‌توانان انجام می‌شود، در جهت کمک به این افراد به عنوان افرادی نیازمند کمک است نه راهی برای تحقق آنچه حق آنان می‌باشد.

این مسئله مهم است که مردم و مسئولان این مطلب را درک کنند که اقدامات دولت در زمینه افراد کم‌توان، و ایجاد فرصت‌های برابر برای آنان، وظیفه و تکلیف مسلمی بر دوش دولت می‌باشد که در صورت عدم انجام آن، دولت وظایف و تعهداتش در زمینه حقوق شهروندان را انجام نداده است.

لازم به ذکر است با وجود اینکه در کتب و مقالات مربوط به افراد کم‌توان، که به عنوان مرجع در این کتاب از آن‌ها استفاده شده، غالباً کلمه

«معلول» به کار برده شده است. به خاطر بار منفی این کلمه و پیشینه ذهنی نادرست افراد از آن، همچنین از آنجایی که در نگاه جدید نسبت به وضعیت ویژه این افراد، سعی شده بیشتر به توانایی‌های ایشان توجه شود، نویسنده ترجیح داده است از واژه «کم‌توان» به جای کلمه «معلول» استفاده نماید. برای یکسانی متن، در قسمت‌های ارجاعی نیز کلمه «کم‌توان» به جای کلمه «معلول» در متن منبع اصلی مطلب، جایگزین شده است که می‌توان آن را نقل به مضمون مطلب دانست.

در آخر از اساتید بزرگوار آقایان دکتر سید محمد قاری سید فاطمی، دکتر ناصر قربان‌نیا و دکتر محمد حبیبی مجنده، کمال تشکر را دارم، زیرا اندک بضاعت علمی اینجانب در نگارش این کتاب را مدیون ایشان می‌باشم. همچنین از همسر عزیزم سپاسگزارم که هم در زمینه نگارش و ویرایش این کتاب مرا یاری نمود و هم در همه لحظه‌های خوب و بد، همواره پشتیبان من بوده است و یادی می‌کنم از نازنین پدرم که از او آموختم همه انسان‌ها از هر طبقه و در هر وضعیت اجتماعی، در انسان بودن، یکسان‌اند؛ و مهربان مادرم که به من آموخت که کمک و دستگیری از انسان‌های دیگر، بهترین لذت زندگی است.

زهرا جنت

مقدمه

برابری و برابری خواهی، از مفاهیمی است که قدمتی بس طولانی؛ شاید به اندازه قدمت زندگی جمعی انسان‌ها دارد. هر انسانی درون خویش این خواست و آرزو را داشته و دارد که مورد احترام باشد و در بهره‌مندی از مزایای زندگی، جایگاهی برابر با همگان داشته باشد؛ یعنی با او همانند دیگران رفتار شود و یا به بیانی دیگر، با او رفتاری پایین‌تر از آنچه با دیگران رفتار می‌شود، صورت نگیرد.

«برابری انسان‌ها در انسان بودن»، اولین و مناسب‌ترین پاسخ به این سوال در زمینه برابری است که: «برابری در چه؟» و باور اصل برابری انسان‌ها، مفاهیم فلسفی را به سوی پذیرش کرامت ذاتی افراد بشر سوق می‌دهد، کرامتی که همواره و در هر شرایطی، شایسته‌ی احترام

می‌باشد.

اساس و شالوده ارزش‌های حقوق بشری و سیستم حمایت‌کننده و پشتیبان آن، ارزش قائل شدن برای برابری ذاتی افراد می‌باشد. در واقع ارزش‌ها و اصول اولیه در این سیستم، بر اساس تشابه تمام انسان‌ها شکل گرفته است و تمام تلاش بر این است تا در قوانین و باورها و حکومت‌ها، تمامی افراد به یک چشم نگریسته شوند و همه‌ی انسان‌ها از همه‌ی حق‌ها برخوردار باشند.

مسلماً هدف اسناد حقوق بشر و سیستم بین‌المللی حامی حقوق بشر، از تدوین این اسناد، تنها بیان حقوق مسلم انسان‌ها نبوده است. آنچه به این اسناد روح مشترک می‌بخشد، باور این مسأله است که همه افراد بشر در انسان بودن مشترک هستند پس لازم است با آنها به طور برابر رفتار شود تا به حقوق خویش دست یابند. اما مسأله‌ای که اینجا وجود دارد این است که انسان‌ها با وجود شباهت در ذات وجودی خویش، در بسیاری از صفات با هم متفاوتند و این تفاوت، توانایی‌های آنها را در بهره‌گیری از امکاناتی که در جامعه مهیا است تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اگر تنها شباهت‌ها را لحاظ کنیم دنیا و امکانات و حقوق برابری که برای انسان‌ها در نظر گرفته شده است به سفره‌ای می‌ماند که همگان حق حضور بر سر آن و حق استفاده از نعمت‌هایش را دارند ولی

آنهايي که به تنهائي قادر به غذا خوردن نيستند، تنها حق اين استفاده را دارند و در واقعيت از آن نعمت‌ها بي بهره خواهند بود.

با وجود اينکه، اطلاق اسناد پايه‌اي نظام حقوق بشر نظير اعلاميه و ميثاقين، تمام اعضاي جامعه مي‌باشد و اصول و حق‌هاي مندرج در اين اسناد برگرفته از ارزش ذاتي انسان‌ها و لزوم حفظ کرامت آنها مي‌باشد. به نظر مي‌رسد تنها با اين اطلاق عام، بسياري از افراد و گروه‌هاي آسيب‌پذير اجتماع به حقوق مسلم خويش دست پيدا نمي‌کنند و اصل برابري و عدم تبعيض و لزوم رفتار برابر با همگان، در مورد آنها به اجرا در نمي‌آيد و آنها را به جايگامي برابر با ديگر افراد جامعه نمي‌رساند، بلکه چاره و توجيه فلسفي و قانوني ديگري لازم است تا اين افراد نيز به حقوق خويش دست يابند.

در مورد تبعيض و چگونگي رفع آن، گام سياسي کاهش يا از بين بردن کامل نابرابري به کار مي‌رود و گام سياسي ايجاد برابري. انتخاب نوع اين سياست، بستگي به موضوعي دارد که برابري در مورد آن مد نظر است. يکي از سياست‌هاي انتخابي در اين زمينه نظريه برابري فرصت‌ها مي‌باشد.

نظريه و سياست برابري فرصت‌ها براي اولين بار در نظريات راولز درباره عدالت، حضور پررنگي در فلسفه عدالت پيدا کرد. راولز که خود را احياء کننده جنبه اجتماعي اخلاق وظيفه گمراي کانست

می‌دانست، در تشریح عدالت خود تحت عنوان «عدالت به مثابه انصاف» بیان می‌دارد که همه خیرات اولیه اجتماعی باید به طور برابر توزیع شوند مگر آنکه توزیع نابرابر آن به نفع همگان باشد.

www.ketab.ir